

## تحلیل قانونی جرم به عادت و آثار آن در نظام کیفری ایران

### احسان کیانی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، کارآموز وکالت

#### چکیده

جرم به عادت از مباحث مطرح در حقوق جزا بوده و به جرمی گفته می‌شود که شرط تحقق آنها، تکرار عمل است و با صرف انجام یک فعل، جرم واقع نمی‌شود. بدین معنی که ارتکاب عمل معین برای یک مرتبه جرم بوده و قابل مجازات است، ولی اگر این عمل به دفعات به وقوع پیوندد و قصد مرتکب از ارتکاب جرم، کسب سود و منفعت و به عبارتی امرار معاش باشد، جرم به عادت تلقی خواهد شد. در جرایم به عادت، تکرار آخرین فعل تشکیل‌دهنده جرم، مبدا مرور زمان به حساب می‌آید، در این قبیل جرایم مهم نیست که بین دو فعل معین، زمانی بیش از مدت مرور زمان سپری شده باشد. زیرا، هر یک از این دو فعل به تنهایی مجرمانه تلقی نمی‌شوند تا مشمول مرور زمان قرار گیرد. از این رو، آغاز مرور زمان از لحظه‌ای است که جرم به عادت به وقوع پیوسته است. هر جرم معمولاً در دادگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که در حوزه آن اتفاق افتاده است؛ در جرم به عادت چون هر قسمت از جرم ممکن است در حوزه‌های مختلفی واقع شود لذا دادگاهی که آخرین عمل مادی جهت تحقق بزه در حوزه آن دادگاه صورت گرفته باشد، صالح به رسیدگی به این جرم است. در جرایم به عادت اگر آخرین فعل تشکیل‌دهنده جرم به عادت در زمان حکومت قانون جدید به وقوع پیوندد، حتی اگر قانون مذکور به لحاظ مجازات شدیدتر باشد، فعل مجرمانه برابر قانون جدید مجازات خواهد شد.

**واژه‌های کلیدی:** جرم به عادت، تکرار عمل، مرور زمان، ارتکاب جرم

**مقدمه :**

جرم در لغت به معنای گناه است. در اصطلاح قانون مجازات اسلامی، «هر فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» جرم به عادت یا اعتیادی: جرائم اعتیادی جرائمی هستند که شرط تحقق آنها، تکرار عمل است و با صرف انجام یک فعل، جرم واقع نمی‌شود. بدین معنی که ارتکاب عمل معین برای یک مرتبه جرم بوده و قابل مجازات است، ولی اگر این عمل به دفعات به وقوع پیوندد و قصد مرتکب از ارتکاب جرم، کسب سود و منفعت و به عبارتی امرار معاش باشد، جرم به عادت تلقی خواهد شد. هم‌چنان‌که در ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی آمده «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آنرا به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.»

بنابراین اشتغال، مستلزم انجام عمل خرید و فروش به کرات است و چنانچه فردی یک مرتبه مال مسروقه‌ای را خریداری کند به موجب قسمت اول همان ماده، به شلاق تا ۷۴ ضربه و به شش ماه تا سه سال زندان محکوم خواهد شد، ولی اگر عمل تکرار شود و به صورت عادت درآید و شغل معمولی شخص شود، مجازات تشدید می‌شود، همچنین جرم تکدی (ماده ۷۱۲) و دایر کردن قمارخانه (ماده ۷۰۸) از جرایم به عادت محسوب می‌شوند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جرم به عادت با چند بار تکرار تحقق پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که چون برای صدق عنوان جرم به عادت تکرار فعل معین ضروری است و از یک بار ارتکاب جرم مذکور، عادت و حرفه استنباط نمی‌شود، دست کم دوبار تکرار برای تحقق جرم به عادت کافی است.

**گفتار اول : تعریف قانونی جرم به عادت و تحلیل ارکان و شرایط تحقق آن****بند اول : تعریف قانونی جرم به عادت**

جرم به عادت مرکب از چند عمل مشابه و از نوع واحد است که هر یک به تنهایی جرم نیست، ولی تکرار در عمل جرم است. مثل دخالت غیر مجاز در امر پزشکی بر اساس ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. جرائم اعتیادی جرائمی هستند که شرط تحقق آنها، تکرار عمل است مانند جرم تکدی گری یا قوادی یا اعتیاد به مواد مخدر یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا که تکرار عمل باعث تحقق جرایم ذکر شده می‌شود و با صرف انجام یک فعل، جرم واقع نمی‌شود. بدین معنی که ارتکاب عمل معین برای یک مرتبه جرم بوده و قابل مجازات است ولی اگر این عمل به دفعات به وقوع پیوندد و قصد مرتکب از ارتکاب جرم، کسب سود و منفعت و به عبارتی امرار معاش باشد، جرم به عادت تلقی خواهد شد.

همچنانکه در ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی آمده « هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آنرا به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.» بنابراین اشتغال، مستلزم انجام عمل خرید و فروش به کرات است و چنانچه فردی یک مرتبه مال مسروقه‌ای را خریداری کند به موجب قسمت اول همان ماده، به شلاق تا ۷۴ ضربه و به شش ماه تا سه سال زندان محکوم خواهد شد، ولی اگر عمل تکرار شود و به صورت عادت درآید و شغل معمولی شخص شود

مجازات تشدید می‌شود، همچنین جرم تکدی (ماده ۷۱۲) و دایر کردن قمارخانه (ماده ۷۰۸) از جرایم به عادت محسوب می‌شوند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که جرم به عادت با چند بار تکرار تحقق پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که چون برای صدق عنوان جرم به عادت تکرار فعل معین ضروری است و از یک بار ارتکاب جرم مذکور، عادت و حرفه استنباط نمی‌شود، دست کم دوبار تکرار برای تحقق جرم به عادت کافی است (افراسیابی، ۱۳۷۹، ۱۹۹)

### بند دوم: شرایط و ارکان تحقق جرم به عادت

#### الف: عنصر مادی و شمار لازم

عنصر مادی در جرایم به عادت غالباً به شکل فعل مادی مثبت است البته اگرچه امکان تحقق جرم به عادت با ترک فعل غیر قابل تصور است لکن در قانون مورد خاصی مشاهده نمی‌شود برای تحقق جرم به عادت تکرار دفعات یک رفتار لازم است. البته برخی از جرایم به عادت تکرار رفتار در دو مرحله جرم به عادت محقق می‌شود. لکن در برخی موارد حتی با دو بار نیز نمی‌توان قائل به تحقق جرم به عادت شد. به عنوان نمونه حرفه قرار دادن معامله اموال مسروقه صرفاً با دو بار تحقق قابل تشخیص نمی‌باشد. البته بعید نیست که با دو بار نیز بتوان این موضوع را تشخیص داد. لکن آنچه مسلم است در برخی موارد با دوبار تکرار عادت می‌شود و در برخی موارد حسب صرف دو بار تکرار افاده عادت نمی‌نماید مگر جایی که خود مقنن به محض دو بار تکرار جرم به عادت را محقق بداند.

#### ب: متفاوت یا مشابه بودن شمار رفتار مادی

در جرایم به عادت رفتارهای مکرر باید مشابه باشد و گرنه جرم به عادت محقق نمی‌شود مثلاً گدایی در دو مرحله - یا خرید و فروش اموال مسروقه در چند مرحله... (خرید و فروش را می‌توان مشابه دانست)

#### ج: عنصر روانی و امکان سنجی تحقق جرم به عادت در جرایم غیر عمدی

عنصر روانی جرایم غیر عمدی عبارت است از اراده فعل یا ترک فعل توأم با تقصیر یا خطای جزایی، تقصیر عبارت است از بی احتیاطی، بی مبالاتی و عدم رعایت مقررات نظام دولتی. بنابر این جرایم غیر عمد جرایمی هستند که مرتکب در آنها فقط اراده ارتکاب عمل را دارد و به هیچ وجه خواهان نتیجه نیست. مثلاً در تصادفی که منجر به فوت می‌شود راننده فقط قصد راندن اتومبیل را داشته و هیچگاه به این فکر نبوده که عابری را به قتل برساند. طبق ماده ۷۱۴ ق.م.ا. که راننده بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی منجر به قتل غیر عمد شده و مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود. جرایم به عادت تعریف قانونی دارند، اگرچه امکان تحقق جرم به عادت در جرایم غیر عمدی نیز قابل تصور است اما تمامی جرایمی که در قانون، عادت به ارتکاب آنها لازم است از نوع عمدی می‌باشند، لذا می‌توان گفت مصداق برای جرم به عادت بصورت غیر عمدی وجود ندارد. در جرایم عمدی نیز منظور از عنصر روانی همان سوء نیت عام و خاص (در جرایم مقید) می‌باشد. به عنوان مثال عنصر روانی مصرح در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی و تعزیرات سوء نیت عام است و قصد کسب مال سوء نیت خاص به شمار می‌رود و در آن شرط است. (زراعت، ۱۳۷۷، ۵۵۲-۵۵۲)

پس عنصر روانی دارای دو شرط است:

۱- سوء نیت عام: عبارت است از عمل انجام شده برای امر گدایی.

۲- سوء نیت خاص: عبارت است از قصد کسب مال.

گفتار دوم: جرم به عادت در تطبیق با نهاد های قانونی مشابه

بند اول: تعدد جرم و تفاوت آن با جرم به عادت

تعدد یعنی ارتکاب و رفتار های متعدد که هر کدام جرم مستقلی است، البته تعدد تقسیم می شود به مادی و معنوی موضوع مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ ق.م.ا تعدد از عوامل مشدده می باشد، تعدد جرم یکی از جهات تشدید مجازات است و عبارت است از اینکه شخصی مرتکب چند فقره جرم مجزا از هم در زمان های مختلف شود بدون آنکه یک محکومیت قطعی بین آنها باشد اعم از اینکه مرتکب توانسته با توصل به هر ترفندی خود را از تعقیب کیفری مصون بدارد یا آنکه ارتکاب جرایم متعدد در فاصله های کوتاه از هم مانع شود که شخص مورد تعقیب قرار گیرد و حکم محکومیت قطعی برایش صادر شود. و در اینصورت زمانی شخص مشمول تشدید مجازات می شود که برای هیچ یک از جرایم قبلی که مرتکب شده تحت پیگرد قرار نگرفته و حکم محکومیت قطعی برایش صادر نشده باشد. بنابراین دو شرط در تعدد جرم لازم است. شرط اول: مجرم مرتکب چند جرم یا لاقلاً دو جرم شده باشد، شرط دوم: مجرم پیش از آنکه برای جرم اول یا هر کدام از جرایم قبلی حکم محکومیت قطعی صادر شود دومین یا چندمین جرم خود را مرتکب شود. در واقع بین جرایم متعددی که مرتکب شده محکومیت قطعی صادر نشده است. جرم به عادت موکول به وقوع فعل معین در دفعات مکرر است چنانکه عادت مرتکب از این افعال احراز شود. بنابراین تحقق جرم به عادت به گذشت زمان نیازمند است و یکباره محقق نمی شود. فصل پنجم قانون مجازات اسلامی به بحث تعدد جرم اختصاص یافته است بر اساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی در جرائم موجب تعزیر، هرگاه رفتار واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، تعدد معنوی اعتباری است.

تعدد، وصف رفتار کسی است که هر رفتار وی عنوان مجرمانه مستقلی است و در این واحد مرتکب چند جرم شده است، لکن در جرم به عادت تمامی رفتارها فقط یک عنوان مجرمانه دارند لذا از عوامل مشدده نمی باشد ضمن آنکه معمولاً رفتارهای مجرمانه به عادت دارای خطر کمتری هستند و ضرورت اقدام تامینی در آنها بیش از مجازات های سرکوبنده محض است.

بند دوم: تکرار جرم و تفاوت آن با جرم به عادت

فصل ششم قانون مجازات اسلامی به بحث تکرار جرم اختصاص یافته است و بر اساس ماده ۱۳۶ این قانون هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است. بنظر می رسد در قانون مجازات اسلامی تعریفی از تکرار جرم ارائه نشده است، این ماده به این شکل در قانون مجازات اسلامی سابق وجود نداشت، تشدید مجازات در صورت تکرار جرم در حدود نوعی تشدید قانونی است و دادگاه اختیار زیادی ندارد اما در قبال افراد بزهکار به عادت دادگاه اختیارات زیادی در تعیین مجازات و نحوه برخورد با این شخص را دارد.

تکرار جرم زمانی است که مرتکب قبل از ارتکاب جرم ثانوی یک محکومیت قطعی یافته باشد و فقط به یک جرم مجازات می شود و اگر مرتکب دوباره جرم را تکرار کند و به محکومیت جزایی رسیده باشد تکرار کننده جرم است. تکرار جرم حالت مرتکب است و عام می باشد. راههای مجازات تکرار جرم ممکن است از نظر ماهیت جرایم فرق داشته باشد و در اینصورت بدلیل عادت کردن به بزهکاری مجازات می گردد و ممکن است یکی باشد در این صورت مجرم به دلیلی که به جرم خاصی عادت پیدا کرده مجازات میشود.

تکرار نیز از عوامل مشدده و وصف حالت مجرمی است که یک بار مجازات درباره وی اجرا شده است لکن دوباره مقنن را نادیده گرفته و مستحق مجازات بیشتری است. اما در جرم به عادت هنوز شخص سابقه قبلی ندارد و تمامی رفتار های وی فقط یک عنوان مجرمانه دارند، و اتفاقاً جرم انگاری این رفتار ها بیشتر برای جلوگیری از ارتکاب جرایم پر خطر بعدی است

## گفتار سوم: آثار قانونی جرم به عادت و ترتیب برخی اصول قانونی بر این آثار

### بند اول: مرور زمان و تحقق آن در جرایم به عادت

منظور از مرور زمان، گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از سپری شدن آن حق اقامه شکایت سلب می‌شود یا تعقیب متهم یا اجرای حکم قطعی کیفری متوقف می‌گردد. به عبارت دیگر هر گاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی مدت معینی به تعویق افتد به آن جرم رسیدگی نمی‌شود و حکم قطعی به مرحله اجرا در نمی‌آید. در چنین فرضی جرم مشمول مرور زمان شده است، (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۸) در جرایم به عادت، تکرار آخرین فعل تشکیل دهنده جرم، مبدأ مرور زمان به حساب می‌آید، در این قبیل جرایم مهم نیست که بین دو فعل معین، زمانی بیش از مدت مرور زمان سپری شده باشد. زیرا هر یک از این دو فعل به تنهایی مجرمانه تلقی نمی‌شوند تا مشمول مرور زمان قرار گیرد. از این رو آغاز مرور زمان از لحظه‌ای است که جرم به عادت به وقوع پیوسته است. البته نظر مخالف نیز وجود دارد. مرور زمان کیفری مورد انتقاد شدید عده‌ای از عالمان حقوق جزا بویژه جرم شناسان قرار گرفته است، علمای مکتب تحقیقی مرور زمان را برای امنیت جامعه و حقوق افراد مضر می‌دانند و استدلالهایی بیان نمودند. می‌گویند درست است که گذشت زمان بیشتر خاطرات انسان‌ها را از بین می‌برد و به باد فراموشی سپرده می‌شود ولی بعضی از خاطرات مهم ارتکاب جرم است که هرگز فراموش نمی‌گردد. کوتاهی در تعقیب بزهکار در وقت معین و یا عدم امکانات، دلیل آن نمی‌شود که مجرم تحت پیگرد قرار نگیرد. قبول مرور زمان نه تنها فایده‌ای برای جامعه ندارد بلکه از جمیع جهات دفاع جامعه را در برابر تبه‌کاران ضعیف می‌کند و در اجرای مجازات قاطعیت از بین می‌رود و مجرم بصورت خطرناک و اصلاح نشده و بدون اینکه در برابر جرمی که انجام داده مجازات شده باشد در جامعه زندگی خود را ادامه می‌دهد، حتی فقهای امامیه مرور زمان را مغایر موازین شرعی دانسته‌اند، با وجود تمام مخالفت‌ها اغلب کشور های پیشرفته جهان مرور زمان را در جرایم کیفری پذیرفته‌اند، چون بر این عقیده‌اند که بعد از گذشت زمان، تهیه و جمع آوری دلایل مشکل‌تر و اشتباهات قضایی افزایش می‌یابد.

### بند دوم: دادگاه صالح در رسیدگی جرایم به عادت

بر اساس ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شود. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد. چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات مساوی باشد، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شود به همه آنها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد دادگاهی که ابتداء تعقیب در حوزه آن شروع شده است صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد. این ماده ملاک تساوی مجازات را محفوظ نکرده است، لیکن شاید بطریقی بتوان از درجه بندی مجازات‌ها در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی برای تشخیص میزان مجازات‌ها استفاده نمود. با این حال در این ماده از عبارت مهمترین جرم نیز استفاده شده است. ملاک تشخیص جرم مهم نیز در این ماده مشخص نگردیده است. بر اساس ماده ۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هرگاه قسمتی از جرم یا نتیجه آن در قلمرو حاکمیت ایران واقع شود در حکم جرم واقع شده در جمهوری اسلامی ایران است هر جرم معمولاً در دادگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که در حوزه آن اتفاق افتاده است؛ در جرم به عادت چون هر قسمت از جرم ممکن است در حوزه‌های مختلفی واقع شود لذا دادگاهی که آخرین عمل مادی جهت تحقق بزه در حوزه آن دادگاه صورت گرفته باشد، صالح به رسیدگی به این جرم است. پس در مجموع

می توان گفت جرم به عادت جرمی است که عنصر مادی آن به دفعات تکرار می شود بطوری که از تکرار عمل، عادت فرد به آن جرم احراز شود. به بیان دیگر لازمه تحقق جرم به عادت تکرار عنصر مادی است که باید حداقل دو بار تکرار شود. مانند تکدی و ولگردی ( ماده ۷۱۲ ق.م.ا ) یا حرفه قرار دادن طبابت غیر مجاز، در این جرم از آنجایی که وقوع آن مستلزم تکرار فعل مجرمانه به میزانی که عادت وی به آن جرم احراز شود می باشد بنابراین در هر مکانی که مرتکب جرم به عادت را تکمیل نماید (فعل مکرر در آن حوزه اتفاق افتاده) دادسرا و دادگاه همان محل برای رسیدگی به آن جرم صلاحیت دارند.

### بند سوم : جایگاه عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری در جرایم به عادت

بر اساس ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمیتوان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است. عطف به ما سبق یک اصطلاح حقوقی است و به حالتی گفته می شود که افعال پیش از تصویب یک قانون مشمول قوانین تازه تصویب شوند. اصل عطف بما سبق نشدن قوانین کیفری از نتایج اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها به شمار می رود. در ایران مطابق اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی قوانین کیفری عطف به ما سبق نمی شوند. در جرایم به عادت اگر آخرین فعل تشکیل دهنده جرم به عادت در زمان حکومت قانون جدید به وقوع بپیوندد، حتی اگر قانون مذکور به لحاظ مجازات شدیدتر باشد فعل مجرمانه برابر قانون جدید است و طبق آن محاکمه می شود، چنانچه جرم مستمری در زمان لازم الاجرا شدن قانون جدید استمرار و دوام داشته باشد قانون جدید قابل اجرا خواهد بود هر چند از قانون سابق شدید تر باشد (باهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲) به نظر نگارنده برای شمول قانون جدید نسبت به جرایم به عادت، باید مرتکب به ارتکاب عمل اعتیادی در زمان قانون جدید احراز گردد. البته این یک نظر است ولی نظر مخالف نیز وجود دارد. به نظر می رسد شاید بتوان در سایه اصل برائت هر کدام از قوانین را که مساعدتر باشند لحاظ کرد.

### گفتار چهارم : شیوه ای مختلف دخالت جزایی و شرایط تحقق مسئولیت کیفری در جرایم به عادت

#### بند اول : مباشرت و تسبیب در جرایم به عادت

رفتار مادی در جرایم به عادت هم به شکل تسبیب و هم به شکل مباشرت قابل تحقق است. مباشرت طبق ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی یعنی جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود و تسبیب نیز همانطور که در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی عنوان شده عبارت است از کسی که سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود بطوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد. مثل کسی که چاهی را حفر کند و شخصی در آن بیفتد و آسیب ببیند در اینجا فاعل جرم، مجرم به سبب است، اگر مباشر و سبب در یک جرم اجتماع کرده باشند و مباشر اقوی از سبب باشد مسئولیت متوجه مباشر بوده و سبب فاقد مجازات خواهد بود. مثل کسی که پوست موز را به زمین انداخته و شخص ثالثی پوست خود را هل داده و روی پوست موز بیاندازد و لیز خورده به زمین افتاده سرش بشکند، هل دهنده ضامن است و مسئولیت متوجه خورنده میوه نیست. بررسی مباشرت و تسبیب در جرایم به عادت را با مثال جرم تکدی گری بیان می نماییم مجازات افرادی که کودکان را برای امر تکدی مورد استفاده قرار میدهند عبارتست از:

الف- حبس از سه ماه تا دو سال

ب- استرداد کلیه اموال که از طریق گمردن کودکان و افرادی به تکدی به دست آمده است.

گماردن به معنای برنامه ریزی و هدایت افراد است بنابراین شخصی که هر روز به دستور دیگری افراد متکدی را با وسیله نقلیه به مکانهای مختلف برده و در آنجا میگمارد مشمول حکم این ماده نیست. چنین عملی را ممکن است به عنوان مباشرت یا تسبیب در جرم بتوان تحت تعقیب قرار داد.

### **بند دوم : مشارکت در جرایم به عادت**

شرکت در جرم یا مباشرت در جرم فقط از نظر تعداد مرتکبان با یکدیگر تفاوت دارند مهمترین ملاک برای تمایز مباشرت و شرکت در جرم، اصلی و فرعی بودن نقش مرتکب است یعنی مباشر یا متکدی نقش اصلی داشته و شریک مانند کسی که متکدی را برای امر تکدی گری به محل های خاصی می برد نقش فرعی دارد، شریک جرم مانند مباشر مادی جرم به کسی گویند که خود شخصاً اعمال مادی تشکیل دهنده جرم را انجام دهد و از این جهت چنین فردی شریک محسوب می شود که او به همراهی شخص یا اشخاص دیگری اعمال مادی تشکیل دهنده جرم را اجرا می نماید. مسئولیت کیفری شریک در جرم کاملاً مشخص است و به هیچ وجه به مسئولیت کیفری سایر شرکاء ربطی ندارد بنابراین هر شریک می تواند به تنهایی مورد تعقیب و مجازات قرار بگیرد. بر اساس ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد (مانند کسی که شخص متکدی را برای تکدی گری به مکان های مختلف می برد) و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب میشوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است. همانطور که قبلاً نیز بیان نمودیم عنصر مادی جرایم به عادت از چند عمل مشابه تشکیل می شود که هر یک به تنهایی جرم نیست ولی چنانچه تکرار شود مجموع آن اعمال جرمی را به وجود می آورد، پس چنانچه شریک در رفتار اولیه مشارکت داشته باشد عقلاً و با توجه به اصل برائت و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و استناد به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نمی توان وی را مباشر جرم نامید، اما چنانچه در رفتار دوم مشارکت کند که جرم به عادت تحقق پیدا کند می توان وی را مباشر جرم نامید که این نظر نگارنده می باشد و می تواند نظرات مخالفی نیز وجود داشته باشد.

### **بند سوم : معاونت در جرایم به عادت**

معاونت در واقع به معنای تسهیل و فراهم نمودن ارتکاب جرم توسط مباشر است که در مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. معاونت در جرایم به عادت نیز قابل تحقق است لکن بحثی که پیش می آید این است که آیا معاونت در هر دو رفتار (تکرار فعل مادی توسط مباشرین) برای تحقق معاونت لازم است یا خیر؟ یعنی این که آیا در هر دو رفتار بایستی مباشر تحت تاثیر و تحریک معاون بوده باشد یا خیر، نظرات اختلافی است، لکن بنظر می رسد حتی اگر یکی از رفتار ها نیز متأثر از تحریک معاون باشد به نحوی که عرفاً بتوان تحقق جرم را متأثر از تحریک آن شخص دانست معاونت محقق شده است. برای تحقق معاونت در جرایم به عادت، وحدت قصد و تقدم زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم به عادت شرط است؛ یعنی فرد باید دارای علم و قصد باشد و عالم باشد که در ارتکاب جرم به عادت توسط دیگری معاونت می کند همچنین باید بداند بین فعل او و نتیجه فعل مجرمانه، رابطه سببیت وجود دارد و معاون برای این فعل مجرمانه اراده کند. با توجه به اینکه در موارد متعدد، کسانی از کودکان به منظور تکدی سوءاستفاده می نمایند؛ قانونگذار به درستی متوجه این

مطلب شده است و در ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی، بیان می‌دارد "هرکس (مباشر معنوی) طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد." همانطور که ملاحظه می‌شود تنها اطفال (یعنی پسران تا ۱۵ سال و دختران تا ۹ سال) و افراد غیر رشید (یعنی کسی که تصرف او در اموالش عقلانی نیست) مورد حکم قانون قرار گرفته، و ذکری از مجانین نشده است. اما تفسیر منطقی و هدف از جرم انگاری (حمایتی بودن اقدام مقنن) ایجاب می‌نماید که مجانین را هم مشمول ماده بدانیم. مصادیق معاونت در این جرم شامل تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه، فریب و نیرنگ، سوءاستفاده از قدرت، تهیه وسایل ارتکاب جرم، ارائه طریق ارتکاب جرم و تسهیل وقوع جرم می‌شود.

ماده فوق دو رفتار مجزای وسیله تکدی قرار دادن اطفال و اشخاص غیر رشید و همچنین گماردن آنان به تکدی را جرم انگاری نموده است. وسیله قرار دادن به اینصورت اتفاق می‌افتد که مثلاً کسی، طفل معلولی را در انظار عموم قرار دهد تا بدین طریق با برانگیختن حس ترحم مردم، تکدی نماید. بنابراین در وسیله قرار دادن، طفل یا غیر رشید تنها به عنوان ابزاری مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد بی‌آنکه خود آنان مباشرتاً اقدام به تکدی نمایند. گماردن به تکدی نیز بدین صورت ارتکاب می‌یابد که فرد یا افرادی با یک اقدام تیمی و از پیش برنامه‌ریزی شده اطفال و اشخاص غیر رشید را در جهت تکدی در مکان‌های گوناگون قرار دهند؛ بنابراین کسی که به دستور دیگری اطفال را به معابر و چهارراهها می‌برد، عمل وی معاونت در گماردن اطفال به تکدی است و شخص آمر، مباشر در عنوان مجرمانه مذکور خواهد بود.

#### بند چهارم: شروع به جرم در جرایم به عادت

با توجه به اصل برائت و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی بنظر نگارنده شروع به جرم در جرایم به عادت در مرحله اولیه قابل تصور نیست، چون اساساً در این مرحله هنوز جرمی محقق نشده است، اما در صورت تکرار و وجود رابطه زمانی هم عرض در رفتار دوم و رفتارهای بعدی شروع به جرم قابل تصور است، بنابراین ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان داشته هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن بهواسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به مجازات‌های مندرج در این ماده مجازات خواهد شد. در مورد جرایم به عادت می‌توان گفت با توجه به مجازات در نظر گرفته شده در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی جرم تکدی شامل مجازاتهای تعزیری درجه ۸ در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌باشد. به عنوان مثال در جرم ایجاد مراکز فساد و یا فحشا ماده ۶۳۹ دایر کردن و اداره کردن مرکز فحشا یا فساد که با یکدیگر ملازمه دارند در صورتی محقق می‌شود که منجر به برپایی مراکز مذکور شود. بنابراین ایجاد این مراکز با هدف ذکر شده بدون تحقق فساد و فحشا ممکن است شروع در جرم تلقی گردد.

#### نتیجه گیری:

با توجه به مطالب مقاله چنین می‌توان نتیجه گیری نمود که جرم به عادت جرمی است که عنصر مادی مستلزم اعمال متعدد است که هر یک از آن اعمال منفرداً قابل تعقیب نیستند. مانند جرم تکدی گری یا ایجاد مرکز فساد و فحشاء، عنصر مادی این



قبیل جرائم از چند عمل مشابه تشکیل می شود که هر یک به تنهایی جرم نیست و یا مجازات کمتری دارد؛ ولی چنانچه تکرار شود مجموع آن اعمال یا جرمی را به وجود می آورد و یا مستلزم مجازات شدیدتری است. مانند طبابت غیر مجاز، قوادی (جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای عمل منافی عفت) تشویق به فساد یا فحشاء یا فراهم ساختن موجبات آن طبق بند (ب) ماده ۶۳۹ ق.م.ا. و تشدید مجازات در مورد حرفه قرار دادن و یا اشتغال به معامله اموال مسروقه با داشتن شغل دیگری قسمت اخیر ماده ۶۶۲ ق.م.ا. برای تحقق جرم اعتیادی و به عادت، باید لااقل رفتار مجرمانه دوبار ارتکاب یافته باشد. به عنوان مثل با یک بار تکدی گری گردن جرم محقق نمی شود.

## منابع

۱. آقاخانی، نادر، ۱۳۷۳ بررسی علل تکدی، پایان نامه دوره کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی
۲. آنسل، مارک، ۱۳۷۵، مترجم: محمد آشوری، مترجم: علی حسینی نجفی موضوع: حقوق قانون مجازات اسلامی (حدود، قصاص، دیات) و تعزیرات مصوب
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ ۱۳۸۸، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ بیستم، جلد اول
۴. افراسیابی، محمداسماعیل؛ ۱۳۷۹، حقوق جزای عمومی، چاپ سپیدرود، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ج اول
۵. افراسیابی، محمد اسماعیل، ۱۳۷۳، بیکاری و ولگردی در شهرها، ماهنامه قضایی، سال ششم، شماره ۷۰
۶. افتخاری، جواد، ۱۳۴۷ ولگردی از نظر حقوق جزای تطبیقی، رساله حقوق دکتری
۷. باهری، محمد؛ ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی؛ انتشارات جنگل.
۸. بیانی، نصرت الله، ۱۳۷۵، گدایی و ولگردی، ماهنامه قضایی، سال هفتم، شماره ۸۱
۹. پیمانی، ضیاءالدین؛ ۱۳۸۴، قاعده تعدد جرم؛ انتشارات نگین، چاپ نخست.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۲؛ ترمینولوژی حقوق؛ انتشارات گنج دانش، چاپ ششم.
۱۱. حجتی، محمدباقر، ۱۳۶۱، روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۲. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۴، مجرم کیست، جرم شناسی چیست؟ انتشارات کیهان، تهران
۱۳. دانش، تاج زمان، ۱۳۷۴، مجرم کیست، جرم شناسی چیست؟ انتشارات کیهان، تهران
۱۴. دهخدا، علامه، ۱۳۴۳، لغت نامه، ت-ث-۱۵، چاپ سیروس، تهران
۱۵. روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ۱۳۸۰
۱۶. زراعت، عباس؛ ۱۳۸۰، شرح قانون مجازات اسلامی بخش حدود جلد اول جرائم منافی عفت، تهران، انتشارات ققنوس،

## ج ۱

۱۷. زراعت، عباس، ۱۳۸۴؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، ج اول
۱۸. زراعت، عباس، ۱۳۷۷ شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، انتشارات فیض، تهران
۱۹. زراعت، عباس، ۱۳۷۷، شرح قانون مجازات اسلامی.
۲۰. زراعت، عباس، ۱۳۷۷، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، انتشارات فیض، تهران.
۲۱. زراعت، عباس، ۱۳۸۰، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، نشر ققنوس، تهران.
۲۲. ساکی، محمدرضا، ۱۳۸۶، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین المللی، نشر خط سوم، ج ۲.

۲۳. سلیمی، صادق، ۱۳۹۱ حقوق جزای عمومی، انتشارات میزان: ۱۳۲
۲۴. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۴؛ حقوق جزای عمومی، تهران، ژوبین، با همکاری جمع علمی فرهنگ مجد، چاپ دوازدهم، ج ۱
۲۵. شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۴، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات ویراستار، تهران
۲۶. شقایقی، لیلا، ۱۳۸۷، ولگردان و متکدیان، پایان نامه دوره کارشناسی، استاد راهنما، آقای خاکساری، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی
۲۷. علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۸۵، حقوق جنایی، انتشارات فردوسی، تهرانچاپ چهارم، ج ۱
۲۸. عمید، حسن، ۱۳۷۰، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه «عادت».
۲۹. قناد، فاطمه، ۱۳۷۹، بررسی متناسب میان جرم و مجازات در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران، جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، ج ۱، تهران
۳۰. کشاورز، بهمن، ۱۳۷۶، مجموعه محشای قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، تهران، گنج دانش
۳۱. کی نیا، مهدی، ۱۳۸۲؛ روان شناسی جنایی؛ جلد نخست
۳۲. گسن، رمون، ۱۳۸۰؛ مقدمه ای بر جرم شناسی؛ ترجمه ی مهدی کی نیا
۳۳. گاستون استفانی و ژرژ لواسور و برنار بولوک، ۱۳۷۳، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن... جرم شناسی به راهنمایی ضیاءالدین پیمانی، دانشگاه تهران.
۳۴. لازرژ، کریستین، ۱۳۸۲، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی،... کیفری، نوشته مصطفی عباسی، انتشارات دانشور، چاپ اول
۳۵. مظلومان، رضا، ۱۳۸۳ جرم شناسی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران
۳۶. مسعودی فر، رضا؛ ۱۳۸۵ حدود و نحوه ی اجرای آن در محاکم قضایی، تهران، انتشارات نسل نوین
۳۷. نیازپور، میر حسن، با حوزه های تخصصی: سیاست جنایی، عدالت کیفری، اصلاح و... نویسنده(گان): امیر حسن نیازپور،... مطالعات
۳۸. نجفی ابرند آبادی، علی حسین؛ تقریرات جرم شناسی؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ دوره ی کارشناسی ارشد
۳۹. وایت، راب و هینس، فیونا؛ ۱۳۸۰، درآمدی بر جرم و جرم شناسی؛ ترجمه ی روح الله صدیق بطحایی اصل؛